

آموزش فای بیستمین سالروز

لی هنگجی

۱۳ می ۲۰۱۲ ~ نیویورک

(همه می ایستند و به گرمی تشویق می کنند. استاد چندین بار با اشاره از همه دعوت می کند که بنشینند.)

صبح بخیر! (مریدان می گویند، "صبح بخیر، استاد!") سخت کار کرده اید! (مریدان پاسخ می دهند، "استاد سخت کار کرده اند!") تشویق) فکر می کنم بهتر است بایستم تا بهتر بتوانید مرا ببینید. (همه تشویق می کنند) مدتی هست که همدیگر را ندیده ایم و می دانم دلتان می خواهد که مرا خوب ببینید، به همین خاطر سر پا می مانم. (مریدان می خندند و تشویق می کنند. استاد در پاسخ، حالت هه شی را انجام می دهند.)

افراد زیادی به کنفرانس فای سالانه ی نیویورک می آیند. این مکان گنجایش محدودی دارد و نمی تواند همه را در خود جای دهد. برای همین، به [سازمان دهندگان] گفتم که دفعه ی بعد که کنفرانسی برگزار می کنیم بایستی یک استادیوم پیدا کنیم. (مریدان می خندند و تشویق می کنند)

گفتم شما سخت کار کرده اید، و واقعاً اینطور است. هرگز قبلاً چیزی به اهمیت اصلاح فا وجود نداشته است. در واقع، در طول زمان های گذشته، هر چیز برجسته ی فرهنگی یا هر چیزی که توسط تزکیه کنندگان یا آگاه شدگان دوره های مختلف به نمایش درآمد همگی به منظور مرجعی برای مریدان دافا و گذاشتن بنیانی برای گسترش وسیع دافا بود. به بیان دیگر، همه ی چیزها از زمان های کهن تا امروز به این خاطر بوده است. به طور حتی خاص تری بیان کنیم، پنج هزار سال تمدن چین در واقع مستقیماً در حال آماده کردن امور برای این رویداد پایانی بود. آنگاه با چیزی به این اهمیت، درباره اش فکر کنید، آن بر این امر تأثیرگذار است که آیا حیات های کل کیهان می توانند نجات پیدا کنند و آیا در زمانی که دیگر چیزی به اندازه ی کافی خوب نیست همه چیز می تواند نجات داده شود. قبل از اینکه اصلاح فای کیهان آغاز شود، هیچ کسی جرئت نمی کرد که بگوید این تعهد موفق خواهد شد. زمانی که در ابتدا این امر را شروع کردم تفکر بسیاری از موجودات خدایی چنین بود. غالباً به من می گفتند، "برایت آرزوی موفقیت داریم". آنچه می گفتند خیلی پرمعنی بود. و موجودات خدایی دیگری بودند که به من می گفتند هیچ گاه قبلاً چیزی شبیه این وجود نداشته است. آنها عظمت درجه ی سختی را می دیدند.

همان طور که مشخص شده است، آزار و شکنجه ای که مریدان دافا در تزکیه شان با آن مواجه شده اند نمایشی در اجتماع بشری از واکنش های شدیدی است که موجودات مثبت و منفی در میان شکل گیری دوباره ی کیهان داشته اند؛ یا به بیان دیگر، وحشتی که شیطان در آزار و اذیتش متوجه مریدان دافا ساخته است، همراه با ثبات قدم مریدان دافا در باور صالح خود همان طور که با آزار و شکنجه مقابله کرده و موجودات ذی شعور را نجات می دهند، صرفاً یک بازتاب جزئی و کوچک در دنیای بشری از اتفاقاتی است که در اصلاح فای عظیم کیهانی می افتد. این در واقع تعهدی فوق العاده عظیم است، و کلمات توانایی توصیف عظمت آن را ندارند. همان طور که کیهان در حال بازسازی [و اصلاح شدن] است، و تک تک بعدها تحت تأثیر واقع می شوند، هر بعدی تجلی های خود را خواهد داشت. برخورد جدید و کهنه، برخورد نیک و پلید، نگرش های مختلف موجودات ذی شعور را منعکس می کند، به طوری که دنیای بشری فقط نمایشی در یک بعد است. پیش تر به شما گفته ام اینکه یک مرید دافا به خوبی تزکیه کند یا نه، تعیین کننده ی قدرت او در نجات موجودات ذی شعور و توانایی او در موفقیت در همکاری کامل با اصلاح فا، اینجا در این دنیای بشری است. در واقع، در میان اصلاح فا تمام بعدها در حال همکاری با اصلاح فا هستند، و چیزها در آنجا به طور هم زمان در حال انجام هستند - سرعت اصلاح فا همگام است. مردم فقط می توانند آنچه را که مریدان دافا اینجا در دنیای بشری به

نمایش می‌گذارند ببینند. اما آنچه که در بعدها دیگر تجلی می‌یابد متفاوت است، زیرا آن نمایش مستقیم فروپاشی یا بقا و مرگ حیات‌ها است و همچنین روند نوسازی کیهان و بدن کیهانی. آن منظره چیزی به‌غایت تکان‌دهنده است. اما چون، هر چه باشد، فقط یک انسان می‌تواند تزکیه کند، و چون مأموریت‌هایی که مریدان دافا عهده‌دار آن هستند هر اندازه که بزرگ باشد آنها هنوز انسان‌هایی هستند که تزکیه می‌کنند، و چون انسان‌ها هستند که اینجا در حال انجام کارها هستند، اکثریت مردم نمی‌توانند آن چیزهای [باعظمت] را ببینند و فقط عده‌ی بسیار کمی می‌توانند تازه مقدار کمی از آن را دریابند. فقط می‌تواند تحت این موقعیت، با این شرایط مشخص بشری و احساس فشار از سوی شیطان، و در حال گذر از میان دشواری‌ها باشد که آنچه که قرار است انجام دهید را به انجام می‌رسانید.

اگر از نظر تاریخی دیده شود این برآستی چنین امر بزرگی است، آنگاه در نظر بگیرید که این مستلزم چه نوع آماده‌سازی بوده است. نظم و ترتیب‌هایی که به عمل آمدند، در واقع، کاملاً مفصل بودند، تا حدی که به دقت نظم و ترتیب داده شده بود که هر مرید دافا چگونه مسیر خود را خواهد پیمود؛ هر یک با چه وضعیت‌هایی روبرو خواهند شد؛ هر یک چگونه پیشرفت و یا پسرفت خواهند کرد؛ و زمانی که وضعیت‌های نادرست سرانجام پدیدار می‌شدند امور چگونه اداره خواهند شد. اما به هر صورت، باید اینطور باشد که هر چیزی که شما، به عنوان یک موجود زنده، می‌خواهید، چیزی است که نهایتاً به حساب می‌آید. اینکه بخواهید تزکیه کنید، آرزوی چیزی را داشته باشید، بخواهید کاری را انجام دهید، نخواهید کاری را انجام دهید، آرزوی چیزی را نداشته باشید— تمامی اینها را خود شخص تصمیم می‌گیرد، و سختی امر در همین نهفته است. همین موضوع درباره‌ی اینکه یک مرید دافا خوب یا ضعیف تزکیه می‌کند صدق می‌کند، و اینکه آیا می‌توانید عهدهای ماقبل تاریخی خود را به انجام برسانید، و در رابطه با مردم عادی، در حالی که با این آزار و شکنجه‌ی مریدان دافا روبرو شده‌اند، در حالی که با سرکوبی مواجه شده‌اند که با تمام قوا دستگاه‌های کل کشور را به کار می‌گیرد که در آن تمام رسانه‌ها برای جعل اکاذیب و افترا به دافا و مریدان دافا به کار گرفته می‌شوند، تحت این شرایط، مردم عادی به طور طبیعی فکر می‌کنند که باید حرف حکومت را باور کنند. مخصوصاً وقتی که ح.ک.چ پلید همیشه برای سرپوش گذاشتن بر زشتی‌های خود از دروغ استفاده کرده است و برای عالی جلوه دادن وضعیت امور و قهرمانان دروغینش به عنوان بخشی از رژیم پلیدش از فریب استفاده کرده است، و مدت‌های مدیدی است که به این نحو به مردم دروغ گفته و آنها را فریب داده است، واقعاً برای مردم چین سخت است که درست را از اشتباه تشخیص دهند. آنگاه جنبه‌ی دیگری در رابطه با آن وجود دارد، اینکه، نیروهای کهن اظهار می‌کنند که کیهان دیگر خوب نیست و انسان‌ها نیز دیگر خوب نیستند، و اینکه مردمی نظیر این، که چنان گناهان عظیمی را انباشته‌اند، برای اینکه لایق باشند، بایستی از میان اوهام و دروغ‌ها موفق بیرون بیایند؛ مردم حزب شرور را همراهی کرده‌اند و به وخامت اوضاع دامن زده‌اند، و بنابراین باید برای تمام آن پاسخگو در نظر گرفته شده و مسئولیت تمام آن را متحمل شوند. بدین نحو که، اگر موفق بیرون بیایید آن را می‌گذرانید؛ اگر نه، دور ریخته خواهید شد. اما با تمام اینها، هر قدر که چیزها اینجا در این دنیا شیطانی یا وحشتناک باشند، یا هر اندازه که مردم آنها را حایز اهمیت در نظر بگیرند، در حقیقت همه‌ی آن صرفاً اتفاقات فقط یک بعد کوچک در کیهان در میان اصلاح‌فا است— صرفاً یک موضوع کوچک و جزئی در بازسازی بدن‌های کیهانی بی‌اندازه عظیم. این "باز گذاشتن یک سمت تور" در میان اصلاح‌فای جدی و باوقار است؛ در روند نجات‌بخشی مردم، کسانی که در حد نصاب باشند آن را خواهند گذرانند، در حالی که آنهایی که در حد نصاب نباشند نگه داشته خواهند شد.

پس، به عنوان مریدان دافا دیده‌اید که وضعیت به سرعت در حال تغییر است، و این بازتابی از اصلاح‌فای کیهان، اینجا در دنیای بشری است. هنگامی که آزار و شکنجه‌ی مریدان دافا در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ آغاز شد، چیزهای شیطانی از بعدها قلمروهای بالا به پایین فشرده شدند، و همین‌طور چیزهایی از بعدها مختلف و از هر یک از جهان‌ها که آنها خواهان از بین رفتن‌شان بودند [به این پایین فشرده شدند]، و از شما انتظار می‌رفت که آنها را از بین ببرید. این برای مریدان دافا فشار بسیار عظیمی به وجود آورد. واقعاً بسیار شرارت‌بار و هولناک بود، اما شما موفق بیرون آمدید. امور گذشته‌اند و همه‌ی شما اکنون درباره‌ی آن می‌دانید. نیازی نیست که استاد آن را توصیف کند. وقتی که به این عوامل شیطانی ح.ک.چ شیطانی را اضافه کنید، که دست به دست آن چیزها دادند، شما نوعی از فشار را داشتید که حقیقتاً بی‌سابقه بود. اما، استاندارد تزکیه در طی اصلاح‌فا جدی است، و همین‌طور

نیز استانداردی که موجودات خدایی پس از نوسازی باید آن را برآورده سازند، زیرا اینها استانداردها و الزامات کیهان جدید هستند. از سوی دیگر، موجوداتی که توسط فا اصلاح نشده‌اند برای پرداختن به امور از اصول کیهان کهن استفاده می‌کنند، و برای ارزیابی مریدان دافا آنها را به کار می‌برند. فقط هنگامی آن را بی‌اشکال خواهند یافت که در حد استانداردهایی که آنها به رسمیت می‌شناسند باشید؛ فقط آنگاه اجازه خواهند داد که رها از مداخله، به سوی بالا پیشرفت کنید؛ و فقط آنگاه فکر خواهند کرد که صلاحیت نجات دادن آنها را دارید. و در واقع، پادشاهانی که جهان‌های سطوح مختلف را سرپرستی می‌کنند نیز به طور مشابه در حال استفاده از استانداردهای قدیمی برای مسدود کردن اصلاح فا هستند. فقط پس از آنکه در ذهنشان رضایت حاصل کنند که به استانداردهایی که تعیین کرده‌اند رسیده‌اید اجازه خواهند داد که موفق بیرون بیایید؛ برخی آگاه‌اند که خودشان در معرض اصلاح فا قرار دارند؛ برخی معتقدند که بالاترین فرمانروایان عالم هستی هستند؛ و برخی با الزامات اصلاح فا موافق نیستند. اما خواه موافق باشند یا نه، هیچ یک از آنها هیچ ایده‌ای ندارند که بعد از اصلاح فا چیزها به چه صورت خواهد بود. این است وضعیت لایه لایه‌ی انبوه خدایان، به طوری که هر سطح این‌گونه فکر می‌کند. اگر آنها فکر کنند که فردی یا چیزی "به اندازه‌ی کافی خوب نبوده و زیر استاندارد است"، آنگاه می‌آیند که از قدرت‌شان استفاده کنند تا مستقیماً هر چیزی در توان‌شان که در حد استاندارد نیست را نابود کنند، شامل چیزهای مرتبط با اصلاح فا. اگرچه توانایی این را ندارند که واقعاً اصلاح فا را به اختلال بکشانند، اما مانعی بر سر راه خواهند بود. صرف‌نظر از اینکه واقعاً بتوانند کاری از پیش ببرند، تلاش خواهند کرد که چیزها را نابود کنند. چنین وقایعی به دفعاتِ بیشمار اتفاق افتاده است. اما آنها نتوانسته‌اند اصلاح فا یا مریدان دافا را نابود کنند، و بشریت را نیز نابود نکرده و سد راه اصلاح فا نشده‌اند. اما دردسر و مزاحمت بسیار زیادی ایجاد کرده‌اند. این مزاحمت‌ها اینجا در دنیای بشری متجلی می‌شوند، و شکل مداخله را به خود می‌گیرند. این چیزها در تمام مدت در حال روی داده‌اند.

اگر مریدان دافا خوب عمل نکنند، اگر استاندارد خود برای تزکیه‌شان را پایین بیاورند و اگر آن موجودات کهن بالاتر- آن لایه لایه‌های خدایان صرفاً بیشمار و آن پادشاهان بیشمار- همگی مثل آنچه که توصیف کردم عمل کنند، آنگاه درباره‌اش فکر کنید، این چه اندازه سختی برای اصلاح فا به وجود خواهد آورد؟ هم‌زمان با انحلال این خدایان یا پادشاهان در طی پاکسازی، تمام موجودات ذی‌شعور صرفاً بیشمار در حیطه‌هایی که تحت اختیار آنها هستند نیز نخواهند توانست رهایی به‌دست آورند. اگر این وضعیت کل یک بدن کیهانی باشد، آنگاه هیچ یک از آنها نمی‌توانند رهایی به‌دست آورند. این دقیقاً سختی‌ای است که اصلاح فا و مریدان دافا با آن روبرو شده‌اند، و اینجا در دنیای بشری خود را به صورت انواع مزاحمت‌ها متجلی می‌کند. ممکن است که فکر کنید استاد شما قدرت‌های بی‌حد و حصری دارد، که او باید قادر باشد که در اصلاح فا هر طور که مایل است امور را اداره کند. اما آیا درباره‌ی این امر فکر کرده‌اید که اگر قرار باشد تمامی این را نجات دهیم، آنگاه آنهایی که قرار است نجات یابند لازم است که مایل [به قبول نجات] باشند، وگرنه به حساب نمی‌آید. اگر برخلاف میل‌شان انجام شود، سرشت بنیادی‌شان تغییر نخواهد کرد؛ تحمیل چنین تغییراتی معادل با آفرینش دوباره‌ی یک موجود می‌بود. آفرینش دوباره‌ی یک موجود کار راحتی است. نجات یک موجود است که سخت‌ترین کار است. آفرینش دوباره بسیار آسان است.

همان‌طور که می‌دانیم، آیا شاکيامونی نگفت که یک بودا می‌تواند صرفاً با فکر کردن، یک دنیا را خلق کند، با موجودات ذی‌شعور غیرقابل شماری در داخل آن؟ اینطور است، چون آنها درون حیطه‌ی خود قدرتی به این عظمت دارند، درون سطحی که در آن قرار دارند انرژی تمام ذرات از ریزترین تا بزرگ‌ترین آنها را دارا هستند، با تراکمی به این عظمت، و چیزها با عملکرد واحد [ذراتی که از] کوچک تا بزرگ [گسترده‌اند] انجام می‌شود. آنها تمام توانایی‌های لازم برای خلق هر چیزی در دنیاهای خود را دارند، به طوری که موجودات زنده از جمله چیزهایی هستند که می‌توانند صرفاً با فکر کردن خلق کنند. اگر امور در اصلاح فا به این صورت انجام می‌شدند، به منزله‌ی آفرینش دوباره‌ی همه‌چیز می‌بود، و آنچه که در آغاز آنجا بود دیگر وجود نمی‌داشت، و موردی از این نیز نمی‌بود که اصلاح فا موجودات ذی‌شعور را نجات دهد. پس اگر مایلید که آنها را نجات دهید، آنگاه برای اینکه آن نجات باشد، به منظور عملی شدن آن باید کاری کنید که آنها بخواهند تغییر کنند. بنابراین اگر می‌خواهید کیهان و دنیا را در زمانی که دیگر خوب نیستند نجات دهید، که تمامی آن را نجات دهید، چقدر سخت خواهد بود. از این رو، بعضی اوقات وقتی با دشواری‌ها روبرو می‌شوید و درمی‌مانید که، "چرا محنت‌ها این قدر عظیم هستند؟ چرا استاد نمی‌تواند صرفاً آنها را برای من از بین

ببرد؟" من نیز به آن فکر کرده‌ام. زمانی که شاهد بوده‌ام که مریدان دافا به شدت شکنجه می‌شوند و افکار درستشان به حد کافی قوی نیست، واقعاً به این فکر افتاده‌ام که آن محنت را برای‌تان از بین ببرم. اما، اگر آن را از بین می‌بردم، به این معنی می‌بود که امتحان را نگذرانده‌اید، آنچه را که قرار بود تحمل کنید تحمل نکرده‌اید، و در تزکیه رشد نکرده‌اید. اگر همه چیز را برای شما خارج می‌کردم، آنگاه هیچ چیز آن برای شما به حساب نمی‌آید و در آخر هیچ کسی نمی‌بودید: شما تزکیه‌کننده یا مرید دافا محسوب نمی‌شدید. علاوه بر این، هر فردی در جریان بازپیدایی‌های خود، زندگی پس از زندگی، با خود کارمایی آورده است که بدنش را پر می‌کند. اگرچه استاد در طول تمام آن زندگی‌ها مراقب او بوده است، آن فرد هنوز هم کارمای کاملاً زیادی دارد. اگر در جریان تاریخ عهدی بسته باشید، یا به نوعی بدهکار شده باشید، یا در دردسر خاصی افتاده باشید، آنگاه حل و فصل چنان چیزهایی سخت است ولی باید حل شوند، و باید به آنها رسیدگی شود. بنابراین، رسیدگی به چنان چیزهایی فوق‌العاده مشکل است، و بسیاری از سختی‌هایی که در تزکیه با آنها روبرو می‌شوید به واسطه‌ی این دلایل است. نجات یک موجود به هیچ وجه به آن سادگی نیست که تصور می‌شود.

اما علیرغم این، هر اندازه که سخت باشد، هر اندازه که موجودی پیش از نجات یافتن مداخله یا سختی به‌همراه آورد، مریدان دافا راه‌هایی برای پیشروی دارند. همان‌طور که همیشه گفته‌ام، به عنوان مریدان دافا مأموریت‌های تاریخی شما صرفاً عظیم هستند، به طوری که شما مسئولیت نجات دادن موجودات ذی‌شعور را بر عهده دارید. بنابراین مسلماً مسیری وجود دارد که بتوانید آن را تا کامل شدن ببینید. این مسیری است که می‌بایست الزامات را برآورده سازد، و فقط به این طریق موجودات ذی‌شعور کیهان، شما را تحسین کرده و قادر به مداخله نخواهند بود؛ مسیرتان رها از مشکل خواهد بود؛ و سفرتان هموار پیش خواهد رفت. در غیر این صورت، اگر انواع وابستگی‌ها و افکار بشری را همراه خود داشته باشید، با مزاحمت بسیار زیادی روبرو خواهید شد، و آن مزاحمت در نقش مسدود کردن مسیرتان عمل خواهد کرد. وقتی نمی‌توانید مسیر درست را ببینید، یک علت آن، دلایل کارمایی است. از جمله‌ی آنها مزاحمتی است که در پیش‌زمینه [و سوابق]، یک موجود را همراهی می‌کند؛ مساعدت‌های پیشین انجام‌شده برای دیگران یا حساب‌هایی که باید تسویه شوند؛ وعده‌های قدیمی؛ تمام ارتباطات مختلفی که فرد ممکن است با یک موجود داشته باشد و غیره. علت دیگر، وابستگی‌هایی است که از ذهنیت بشری فرد می‌آید. موردی که به‌ویژه قابل توجه است عقاید و تصوراتی است که فرد شکل می‌دهد، یا عادت‌های فکری که فرد شکل می‌دهد، که تشخیص این که چه وقت تفکر بشری به طور ناخودآگاه در جریان است را برای فرد بسیار سخت می‌سازند. و اگر فرد نتواند آن را تشخیص دهد، چگونه قرار است از آن رها شود؟ این مخصوصاً در محیط چین چالش‌زا است، جایی که حزب شیطان‌ی فرهنگ سنتی چین را نابود کرده است و به جای آن، چیزهای حزب پلید خودش را کار گذاشته است—آنچه را که به آن "فرهنگ حزب" می‌گوییم. وقتی فرد از عادت‌های فکری پرورش یافته توسط آن فرهنگ استفاده کند مسلماً تشخیص حقیقت کیهان سخت خواهد بود. و فرد حتی قادر نخواهد بود تشخیص دهد که تفکر و رفتار بد خاصی معایر با ارزش‌های جهانی هستند. اگر فرد نتواند تشخیص دهد که تفکر بد چه هست، چه می‌توان کرد؟ راه دیگری جز عمل کردن بر طبق دافا وجود ندارد.

قبلاً به شما گفته‌ام که مردم چینی امروز زمانی پادشاهان بسیاری از قومیت‌های شناخته‌شده در تاریخ، پادشاهان هر یک از اعصار بوده‌اند؛ آنها پادشاهان سطوح بالاتر در کیهان هستند که به زمین پایین آمده‌اند، که در چین باز پیدا شده‌اند. نجات آنها به نجات موجودات ذی‌شعور بیشمار پشت‌شان که آنها را نمایندگی می‌کنند خواهد انجامید. پس خیلی ساده نیست. وقتی که یکی از چنین افرادی رهایی به دست می‌آورد و به این می‌انجامد که تعداد بسیار بیشتری نجات یابند، چه کسی قرار است که تمام کارماهای درگیر را از بین ببرد؟ او چگونه می‌خواهد آن امتحان را بگذراند؟ چه باید کند تا نیروهای کهن شکاف کمتری برای بهره‌برداری داشته باشد؟ چه باید انجام شود تا موجودات ذی‌شعور و خدایان بسیار در سطوح مختلف کیهان که تحت اصول فای کهن و عقاید کهن عمل می‌کنند او را قابل قبول ببینند؟ چه چیزی نیاز است تا آن موجوداتی که تحت تأثیر واقع می‌شوند مشکلی با آن نداشته باشند و به شما اجازه دهند که [از آن امتحان] بگذرید؟ جداً سخت است. اما استاد گفته است که، "وقتی مریدان افکار درست فراوان داشته باشند، استاد قدرت دگرگون کردن وضع را دارد." اگر افکار درست شما به حد کافی قوی باشد، چه کسی جرئت می‌کند که کاری انجام دهد؟ بنابراین اگر درست باشید، استاد می‌تواند هر چیزی را حل و فصل کند. اما اگر

به‌طور صالح عمل نکنید، چه کاری از دست استاد برمی‌آید؟ به من بگویید، اگر خود شما کارها را درست انجام ندادید و با این حال استاد آن موجودات [نیروی کهن] را پاکسازی کند، آیا این می‌تواند قابل قبول باشد؟ اگر شما خوب عمل نکرده باشید و هر زمان که محنت‌هایی دارید آن موجودات را برای شما از بین ببریم، آنگاه در حال نجات چه کسی هستیم؟ این عملی نیست.

اما به هر جهت، همان‌طور که کمی قبل اشاره کردم، با اینکه آنها اصول کهن هستند، کاملاً فاسد بوده و خوب نیستند، آنچه در آن میان هست به هر جهت اصول مشترکی است که مردم روی زمین به آنها به عنوان "ارزش‌های جهانی" اشاره می‌کنند؛ در آسمان‌ها استانداردهای جهانی برای ارزیابی چیزها وجود دارد که در سراسر کل کیهان برقرار هستند. اگر [بر اساس این استانداردها] آن موجودات موافق چیزی نباشند، و سپس استاد برود و آنها را از بین ببرد، آنگاه ما در حال نجات چه کسی هستیم؟ سختی در اینجا نهفته است. من می‌توانم بر طبق استانداردها و الزامات خودم به امور بپردازم، آن چیزهای کهن را نادیده بگیرم، و تمام راه تا انتها به این صورت آن را انجام دهم. اما امکانش هست که آن موقع نتوانم هیچ موجودی را نجات دهم، زیرا همگی دور ریخته یا منفجر شده‌اند. بنابراین، دقیقاً به خاطر نجات دادن آنهاست که مریدان دافا آنچه که تحمل می‌کنند را متحمل شده‌اند، و بر همین اساس است که مسیر مریدان دافا این اندازه سخت است. تمام دشواری‌هایی که با آنها روبرو می‌شویم به این منظور هستند که بتوانیم آن موجودات را نجات دهیم. اگر مریدان دافا بتوانند کاری کنند که آنها احساس رضایت کنند، نه تنها آن موجودات موافق خواهند بود که مریدان دافا موفق بیرون بیایند، بلکه، مریدان دافا قادر خواهند بود که آنها را نجات دهند. نگاه شما به امور هر طور هم که باشد، لایه لایه‌های موجودات کیهان به این صورت به امور نگاه می‌کنند. هر یک از سطوح، پادشاه خود را دارند، و هر یک از لایه‌ها لرد خود را دارند. حیات‌ها در این کیهان بی‌اندازه بزرگ، که بی‌اندازه فراوان‌اند، به قدری زیادند که خارج از تصور شماست. و هر لایه‌ای از آنها این تأثیر را دارند، به طوری که هر یک از لایه‌ها امور را به این صورت می‌بینند. آنگاه درباره‌اش فکر کنید: اگر قرار باشد آنها را نجات دهید چه باید کرد؟ استاد البته می‌تواند آنها را دور بریزد. اگر دور ریخته می‌شدند و چیزی باقی نمی‌بود، آن مرحله را بدون نجات دادن حتی یک موجود می‌گذرانید و در مرحله‌ی بعد همان روند را تکرار می‌کردید: هر کسی که با شما مخالفت می‌کرد از بین برده می‌شد، از میان آن می‌گذشتید و... حتی یک موجود هم باقی نمی‌ماند. اگر در تمام مسیر آن را به این صورت انجام می‌دادیم، آیا در زمانی که کار را تمام کرده بودیم همه چیز را نابود نکرده بودیم؟ از این رو، مریدان دافا فقط زمانی که از عهده برمی‌آیند که مسیر خود را به شکلی درست ببینند می‌توانند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند. و فقط آنگاه، در حالی که موجودات را نجات می‌دهید، می‌توانید موفق بیرون بیایید. این اندازه سخت است. این چیزی است که نجات موجودات ذی‌شعور را این قدر سخت می‌سازد. بعضی افرادی که نمی‌دانند درباره‌ی چه صحبت می‌کنند ممکن است بگویند که "می‌خواهند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند"، اما در واقع هیچ تصویری درباره‌ی این ندارند که نجات موجودات درگیر چه چیزهایی می‌شود.

به هر صورت، مریدان دافا از عهده برآمده‌اند که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند، و از این رو شما خارق‌العاده هستید. واقعاً، مریدان دافا از همان روز اول موفق بیرون آمده‌اند و بیش از ۱۰۰ میلیون نفر از مردم دنیا را نجات داده‌اند. تحسین برانگیز است. استاد کاملاً خشنود است. آنچه که بسیاری از مریدان دافا بر عهده گرفته‌اند صرفاً عظیم بوده است، و تقوای عظیم نیز به طور مشابه عظیم است. اما، چرا باید این اندازه بر عهده بگیرید؟ و بعضی افراد از من می‌پرسند که چرا به آن شدت شکنجه شده‌اند. شاید آن شخص به نیابت از حیات‌های فراوان پشت خود چیزها را متحمل می‌شود. حیات‌هایی که لازم است از آنها حفاظت کند، و لازم است آنها را نجات دهد، صرفاً آن اندازه عظیم و آن اندازه زیاد هستند. شاید آن به خاطر هم عوامل خود او و هم عوامل موجوداتی که باید نجات‌شان دهد باشد؛ میزان کارما یا تعداد عواملی که از گذشته بر عهده دارد نیز ممکن است عظیم باشد؛ همچنین حساب‌های قدیمی جمع شده که توانایی حل آنها را ندارد نیز می‌تواند وجود داشته باشد و همچنین خصومت‌های کهنه‌ای که ابداً نمی‌توانند رفع شوند - برخی از آنها فقط می‌توانند با معاوضه‌ی زندگی خود او تسویه شوند. بنابراین بر این اساس است که در آزار و شکنجه، چیزها بسیار بسیار پیچیده هستند. نیروهای کهن کارهایی انجام داده‌اند، اما در میان مداخله‌ی آنها، استاد نقشه‌های آنها را به خودشان برگردانده است. به هر جهت، استاد استانداردهای خود را دارد، و نیروهای کهن باید برای تمام کارهایی که انجام می‌دهند بپردازند.

قبلاً با شما در میان گذاشته‌ام که هر چیزی در سه قلمرو برای اصلاح فا وجود دارد. این شامل هم موجودات ذی‌شعوری می‌شود که تصدیق می‌کنند دافا خوب است و هم آنهایی که تصدیق نمی‌کنند. همگی می‌دانند که اصلاح فا در حال وقوع است، اما هیچ کسی نمی‌داند که این تعهد دقیقاً چقدر عظیم است. این مخصوصاً در رابطه با پادشاهان و لردها صدق می‌کند - آنها بر این باورند که عظیم هستند، اما متوجه نشده‌اند که در پشت آنها هنوز جهان‌های بی‌شماری وجود دارد. آنها خود را فوق‌العاده در نظر می‌گیرند، و از این روست که جرئت می‌کنند اینطور عمل کنند. اینگونه است که چنان سختی‌های بزرگی پدیدار می‌شوند. اما به هر جهت، مریدان دافا در حال نجات تعداد عظیمی از موجودات ذی‌شعور هستند و اصلاح فا به انتها رسیده است. همگی این را دیده‌اید، جلوتر که برویم شیطان قدرت کافی برای استفاده شدن را ندارد. رفته‌رفته اوضاع شیطانی‌ای که نیروهای کهن برای آزمودن مریدان دافا استفاده می‌کنند و همین‌طور محیطی که تحت فشار شیطانی، موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید، ناپدید می‌شود. علتش این است که شیطان اکنون برای استفاده شدن ناکافی است. نیروهای کهن معتقدند که قدرت آن دیگر برای آزمودن مریدان دافا و مردم دنیا کافی نیست، و آنچه که انجام می‌دهند دیگر [به عنوان آزمودن مریدان دافا] به حساب نخواهد آمد. در این صورت، استفاده‌ی استاد از مداخله‌ی نیروهای کهن به هنگام اجازه دادن به مریدان دافا که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند نیز در فرآیند خاتمه است. آنهایی که نجات نیافته‌اند، که در طی این دوره به‌هنگام روشنگری حقیقت مریدان دافا به آن گوش نکرده‌اند، یا حتی بعد از گفتن حقیقت به آنها، آن را درک نکرده‌اند، فرصت‌های تقدیری‌شان تمام خواهد شد. گذشته گذشته است. مرحله‌ی بعد به زودی آغاز خواهد شد.

در هر روزی که تاریخ قرار باشد به پایان برسد، آن روز به هیچ وجه نمی‌تواند به تأخیر بیفتد. فقط بر روی چیزهای خاص یا آنچه که در روند نمایان می‌شود می‌توان تغییراتی اعمال کرد. چیزهایی که خوب انجام نشده باشند بر روی امور بعدی تأثیر خواهند داشت، اما این چارچوب زمانی کل نمی‌تواند بسط یابد. این موضوعی از نیکخواه بودن یا نبودن استاد نیست. واقعیت این است که در انتها، اگر هر چیزی که نجات یافته یا دوباره شکل داده شده باشد، چیزی نباشد که من می‌خواهم یا به استاندارد من نرسد، بیهوده بوده است زیرا می‌بایست نابود شود. از این زمان نمی‌توان فراتر رفت. بنابراین، برای موجوداتی که نمی‌توانند نجات یابند، صرفاً به همان صورت است.

البته، حالا که این اندازه گفته‌ام، مریدان دافا ممکن است احساس کنند چیزهای بسیاری وجود دارد که خوب انجام نداده‌اند و برای‌شان افسوس می‌خورند. مطمئناً اینطور خواهد بود. در واقع، از همان شروع این تعهد می‌دانستم که با بشریتی که به این مرحله رسیده است و، علاوه بر آن، با وجود چنین مداخله‌ی عظیمی از سوی شیطان، برای مریدان دافا واقعاً سخت خواهد بود که حقیقت را برای مردمی روشن کنند که توسط اکاذیب ساخته‌شده به هنگام شروع آزار و شکنجه فریب خورده‌اند. در آن زمان می‌توانستم ببینم که همان موقع نیز نجات همه‌ی مردم محال بود، چه رسد به اینکه بتوانیم تمام موجودات ذی‌شعور کیهان را نجات دهیم. اما هنوز نهایت تلاش خود را خواهیم کرد که تعداد بیشتری را نجات دهیم، سریعاً آنها را نجات دهیم، و عجله کنیم که قبل از اینکه آن زمان فرا رسیده باشد هنوز حیات‌های بیشتری را نجات دهیم.

بنابراین، در حالی که بر این موضوع هستیم درباره‌ی موضوعات تزکیه کمی بیشتر خواهیم گفت. در رابطه با کارهایی که مریدان دافا قرار است انجام دهند، فرآیندی وجود دارد که به جلو پیش می‌رود. وقتی این دوره‌ی زمانی سپری شده باشد، این [فرآیند] تمام است. اگر آنگاه، بعد از نگاهی به گذشته، دریابید که چیزهای معینی را خوب انجام نداده‌اید، هیچ فرصتی برای جبران آنها وجود نخواهد داشت. البته، تزکیه هنوز تمام نشده است و می‌توانید به انجام کارهایی که مریدان دافا باید انجام دهند ادامه دهید، و اطمینان حاصل کنید که در رابطه با هر چه که در پیش رو قرار دارد به خوبی عمل می‌کنید. بنابراین از این منظر، هنوز فرصت‌های بسیاری در پیش رو و وقت برای انجام کارها وجود دارد. با این حال، اگر چیزهای زیادی باشد که خوب انجام نداده باشید، آنگاه واقعاً حسرت بسیار زیادی برای‌تان می‌ماند. برای مثال، سخنرانی‌ای که کمی پیش ارائه شد از شن یون می‌گفت. بگذارید امور را کمی روشن‌تر بیان کنم. شن یون به منظور نجات موجودات ذی‌شعور است. در حالی که همگی این را می‌دانید، آیا این به فکر شما رسیده است: استاد در حال دادن فرصتی به شماست تا با هم کار کنید و اینکه کسانی که قدم پیش نگذاشته‌اند قدم پیش گذارند. هم‌زمان با گسترش تأثیر شن یون، مردم همگی دریافته‌اند که این یک نمایش ممتاز است. هیچ

نمایشی که امروزه انسان‌ها به صحنه می‌آورند قابل مقایسه نیست. البته که قابل مقایسه نیست، چون همان‌طور که می‌دانید موجودات خدایی در صحنه هستند که به اجراگران کمک می‌کنند و آن می‌تواند برای مردم رهایی را به ارمغان بیاورد. چه کسی می‌تواند با آن برابری کند؟ هیچ کسی نمی‌تواند. و گذشته از این، این مریدان دافا هستند که در حال اجرا می‌باشند، و مهارت‌های اجراگران به خودی خود در سطح جهانی است. چیزی است که هیچ کسی نمی‌تواند با آن برابری کند. اما، همان‌طور که تمرین‌کنندگان هر ناحیه به ترویج شن یون می‌پردازند، هر زمان که با چیزی روبرو می‌شوید- این‌طور نیست که نمی‌خواهید کارها به انجام برسند، وگرنه نیازی به جر و بحث درباره‌ی آنها نداشتید- با اینکه همگی می‌خواهید امور انجام شوند، یکی اصرار می‌کند که آن این‌طور انجام شود در حالی که دیگری می‌گوید طور دیگری انجام شود، یا یکی اصرار می‌کند که آن حالا انجام شود در حالی که دیگری می‌گوید که منتظر شوید، و هیچ کسی کوتاه نمی‌آید. این ذهنیت‌های شدید بشری به این می‌انجامد که افراد نتوانند همکاری کنند. و در مدت بحث‌هایی که دارید، ذهنیت‌های بشری بعضی افراد واقعاً قوی هستند، به‌طوری که بعضی‌ها حتی توسط آن وابستگی‌ها برانگیخته می‌شوند تا با دیگران دعوا و مشاجره کنند. حتی اگر آن افراد در نهایت آن را به آن روش دیگر انجام دهند، درباره‌اش کاملاً منفعل خواهند بود.

به شما می‌گویم، برای سال‌ها پیوسته گفته‌ام که توانایی‌های مریدان دافا عظیم است، با این حال خیلی از افراد این را باور ندارند چراکه آن توانایی‌ها مجاز نبوده‌اند که دیده شوند. تحت تأثیر افکار درست، هر چیزی در اطراف شما، و همچنین خود شما، دستخوش تغییر خواهید شد. با این حال هرگز در مورد این فکر نکرده‌اید که آن را امتحان کنید. نیروهای کهن و همین‌طور مداخله از سوی عناصر شیطانی دقیقاً در حال بهره‌برداری از شکاف‌های موجود در تفکرتان هستند. این کاری است که در تمام این سال‌ها انجام می‌داده‌اند. در تمام مدت، نیروهای کهن در حال هدایت ارواح پوسیده و عوامل حزب شیطانی بوده‌اند که این کار را انجام دهند، و منجر به این شده‌اند که در تلاش‌هایتان برای نجات مردم با شکست روبرو شوید. آنها این کار را انجام می‌دهند زیرا در نبرد مستقیم توانایی شکست شما را ندارند. اهمیتی ندارد چه نوعی از نیروی عظیم را گرد هم می‌آورند، لحظه‌ای که شروع به فرستادن افکار درست می‌کردید تمام آنها تبدیل به خاکستر می‌شدند، به طور کامل نابود می‌شدند و هیچ به حساب می‌آمدند. اگر این نوع مبارزه ادامه پیدا می‌کرد، مداخله از سوی ارواح پوسیده و عوامل حزب شیطانی از بین می‌رفت و ناپدید می‌شد. زمانی که مریدان دافا قادرند با تمرکز خوب و افکار درستی به حد کافی قوی افکار درست بفرستند- امتحان کنید- اگر می‌توانستید امروز آن را انجام دهید، نصف تمام شیطانی که اکنون وجود دارد محو می‌شد. دقیقاً به خاطر اینکه انواع وابستگی‌های بشری و همین‌طور مشکلات همکاری را دارید است که آن می‌تواند از شکاف‌هایتان بهره‌برداری کند، مانع از این شود که در آنچه که قرار است انجام دهید موفق شوید، و همان‌طور که به نجات موجودات ذی‌شعور می‌پردازید قدرت‌تان را تضعیف کند. شیطان هیچ ابزار دیگری در دسترس خود ندارد. وقتی افراد بد در این دنیا شرور به نظر می‌رسند، و شاید خیلی وحشیانه عمل کنند، علتش این است که موجودات شیطانی‌ای پشت آنها وجود دارند که از آنها پشتیبانی می‌کنند. آن موجودات شیطانی را از بین ببرید و دیگر آن فرد نخواهد توانست آن وحشی‌گری را داشته باشد. اگر مریدان دافا بتوانند در تلاشی متحد، توان‌شان را روی هم بگذارند، و با افکار صالح بینهایت قوی عمل کنند، درباره‌اش فکر کنید، این واقعاً به منزله‌ی حضور موجودات خدایی در این دنیا خواهد بود. برای شیطان صرفاً هولناک خواهد بود!

افراد شرور آن‌طور عمل می‌کنند چون شیطان از آنسو در حال پشتیبانی از آنهاست. اما شما همیشه به این نگاه می‌کنید که آن فردی که در سطح و ظاهر است چقدر بد است، چقدر شرور است، آن پلیس شرور چقدر این‌طور و آن‌طور است، یا رفتار یک نفر چقدر غیرمنطقی است. همیشه نگاه‌تان را به ظاهر متمرکز می‌کنید. همیشه به شما گفته‌ام که این بدن بشری در اینجا صرفاً مثل تکه‌ای لباس است، و آنچه که واقعاً یک فرد را کنترل می‌کند روح اوست- خواه روح اصلی‌اش باشد یا روح کمکی او. و فقط آن روح نیست که می‌تواند یک فرد را کنترل کند. انواع موجودات هوشمند وجود دارند که آنها نیز می‌توانند یک انسان را کنترل کنند. موجودات حاضر در سطح نیستند که در حال انجام شرارت نسبت به مریدان دافا هستند. وقتی به عوامل پشت صحنه پرداخته باشید، نگاه دیگری به سطح بیندازید و ببینید چه اتفاقی می‌افتد. بدون درگیر بودن هیچ عاملی در پشت صحنه، یک انسان هر چیزی که به او بگویید انجام می‌دهد. شما یک تزکیه‌کننده هستید و کسی که دارای توانایی‌هایی است، و

موجودی هستید که در حال پیمودن مسیر خدایی شدن است. در حالی که آن موجود یک انسان عادی است، و عاجز و ناتوان است. پس نباید همیشه چشم‌تان خیره به فرد حاضر در سطح باشد. فقط زمانی که به عوامل پشت صحنه رسیدگی کنید می‌توانید مشکل را از ریشه حل کنید. فقط آنگاه باعث خواهید شد که وضعیتی معین، یا آن شخص، تغییر کند.

همگی می‌دانیم که قبلاً که در حال فروش بلیت‌های [شن‌یون] بودید سخت بود. اما هر قدر هم که سخت بود، هنوز مسیری وجود داشت که آن را بیمایید. فقط موضوعی بود از اینکه آیا آن را دنبال می‌کردید. بعضی افراد پیشنهاد کردند که این کافی است که فقط افکار درست فرستاد. اما اگر فقط افکار درست می‌فرستادید، و هیچ کاری انجام نمی‌دادید، چگونه می‌توانست تزکیه نامیده شود؟ این مشابه طوری است که برخی افراد خواندن کتاب را اداره می‌کنند. فقط آن را می‌خوانند، و کارهایی که مریدان دافا قرار است انجام دهند را انجام نمی‌دهند. در این صورت، آیا یک مرید دافا به حساب می‌آید؟ این تزکیه‌ی دافا نیست. اگر می‌شد هر چیزی را با فرستادن افکار درست اداره کرد، حتی لازم نبود که شما انجامش دهید—می‌توانستم صرفاً جمعی از مریدان دافا در نیویورک را سازماندهی کنم که افکار درست بفرستند و دیگر هیچ کاری نداشتیم، و همه چیز اداره می‌شد. شما باید شخصاً درگیر شوید، تزکیه کنید، و بروید و چیزها را به مرحله‌ی عمل بگذارید. سخت کار کردن بخشی از تزکیه‌ی شماست. نیاز دارید به راه‌هایی فکر کنید تا افرادی که در نظر دارید نجات دهید را پیدا کنید. تمام اینها چیزهایی هستند که مریدان دافا باید انجام دهند. بکشید که با هم خوب همکاری کنید. اگر بی‌می‌برید فردی کاری را به خوبی انجام نداده است، یا اگر در طی گفتگوی‌تان در جلسه برخی چیزها به خوبی اداره نشده یا ایده‌ی شما اتخاذ نشود، با این حال احساس کنید که آن واقعاً طوری است که امور باید اداره شوند، آنگاه، اگر از عهده‌ی این برآید که علیرغم اتخاذ نشدن ایده‌ی شما، آرام و بی‌صدا مراقب باشید که آن چیز به خوبی پیش برود،/این مرید دافا بودن است.

همان‌طور که می‌دانید، با گذر زمان شن یون در حال بهتر شدن است و تأثیر آن رو به افزایش است. امسال در ایالات متحده در نزدیکی پایان اجراها، هر اجرایی که ارائه کردیم فروش کامل داشت. سال بعد بلیت‌ها باید کاملاً راحت به فروش بروند. اگر واقعاً اینطور بود که صرفاً با یک دور تبلیغات همه می‌آمدند، آنگاه به شما می‌گویم، از شما درخواست نمی‌کردم که بروید و بلیت‌ها را بفروشید. بعضی افراد ممکن است فکر کنند، "اوه، چه عالی! یکی از نگرانی‌هایمان کم می‌شود". اما اگر هیچ کاری انجام ندهید، آیا آن تزکیه به حساب می‌آید؟ استاد شما را فراخواند که آن مسیر را برگزینید و آن فرصت را برای‌تان فراهم آورد، اما آیا روی آن کار کردید؟ البته، اگر می‌گویید که در شن یون درگیر نشدید زیرا در حال انجام سایر پروژه‌ها بودید، آنگاه هیچ اشکالی ندارد. خیلی خوب است. اگر واقعاً کوشا بوده‌اید و خود را وقف آن پروژه‌های دیگر کرده‌اید، و در آنجا عالی کار کرده‌اید، پس مشکلی نیست و با اینکه روی شن یون کار نکردید من هنوز هم خوشحالم. اما بعضی افراد واقعاً کار زیادی انجام نمی‌دهند و آنچه را که انجام می‌دهند خوب انجام نمی‌دهند. به طور خلاصه، شما مایل نیستید خود را به زحمت بیندازید و می‌خواهید که امور راحت باشند. یا به بیان دیگر، مایل نیستید آنچه که قرار است انجام دهید را به موفقیت برسانید. این عملی نیست، و این خطرناک است. برای مریدان دافا استانداردهای مریدان دافا وجود دارد، و اگر چه ممکن است به نظر بیاید که فقط یک انسانید که در حال انجام تزکیه است، اما بعضی اوقات که افکار درست شما قوی هستند یک جمله‌تان تمام چیزی است که برای نجات یک فرد لازم است. اما او یک فرد عادی است، و او استانداردهای خود را در به‌دست آوردن رهایی دارد؛ او به مکانی که به آنجا نجات یافته است می‌رود. از سوی دیگر، شما استانداردهایی دارید که برای شما به کار می‌رود.

مورد دیگر این است که، همان‌طور که اکنون در مرحله‌ی آخر هستیم، بسیاری از شاگردان اکنون قادرند که به بعدهای دیگر دسترسی داشته یا آنها را ببینند—به طوری که برخی حتی صحنه‌هایی از آنچه که در اصلاح فایده‌ی انجام می‌دهند را می‌بینند. ذاتاً هیچ چیز غیر عادی در این خصوص وجود ندارد. شرایط هر فرد متفاوت است و وضعیت‌هایی که هر فرد در اصلاح فایده تجربه می‌کند فرق دارد، بنابراین بعضی افراد هستند که می‌توانند چیزها را ببینند. چیزی که می‌خواهم به شما یادآور شوم این است که قبلاً برخی شاگردانی نظیر این بودند که نتوانستند خود را به خوبی اداره کنند و تباه شدند. بعد از اینکه چیزی را دیدید، نگذارید تفکر بشری، وابستگی‌ها و انواع افکار هیجانی را بیرواند و در نتیجه خود را نابود کنید. در این زمینه‌ها همین حالا نیز درس‌هایی برای یاد گرفتن وجود دارد. این چیزی است که باید مراقب آن باشید.

همیشه گفته‌ام که محدوده‌ای از کیهان که یک مرید دافا مسئول آن است بزرگ است. ممکن است پادشاه یک عالم باشید، یا حتی آگاه‌شده‌ای از سطحی بسیار بسیار بالاتر، پس درباره‌اش فکر کنید: چنان عالمی چه اندازه بزرگ است؟ شاکيامونی گفت که درون یک دانه‌ی شن سه هزار جهان ریز وجود دارد. آنگاه در شن آن شن آیا سه هزار جهان ریز دیگر وجود ندارد؟ آنگاه در آن دنیاها آیا دوباره شن وجود ندارد؟ پس در شن جهان ریز آن شن نیز شن وجود دارد، و آیا رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دریاچه‌هایی وجود ندارد؟ و در آن شن آیا دوباره سه هزار جهان ریز وجود ندارد؟ آیا در سه هزار جهان ریز درون آن شن نیز دریاچه‌هایی وجود ندارد، و باز هم شن بیشتر؟ و در آن شن آیا دوباره سه هزار جهان ریز وجود ندارد؟ در کیهان، ساختار بدن بشری بزرگ در نظر گرفته می‌شود، زیرا بدن بشری از ذرات درشت ساخته شده است. البته، چیزهای بسیاری بزرگ‌تر از انسان وجود دارد. بنابراین، اگر اینطور باشد، آنگاه با رسیدن از آنچه که در کیهان بزرگ‌ترین است به آنچه که کوچک‌ترین است، یک دانه‌ی شن دنیاها را بسیار زیادی در خود دارد و در واقع هوا نیز از ذرات تشکیل شده است - و ذرات آن نیز از ماده‌ای که باز هم ریزتر است ساخته شده‌اند. آن ماده‌ی ریز مطمئناً چیزی شبیه خاک و سنگی که چشم انسان در اینجا می‌بیند نیست؛ قطعاً وضعیت ماده در بعد خودش را به خود می‌گیرد. بنابراین، هوا از ذرات مولکولی تشکیل شده است، مولکول‌ها نیز از اتم‌ها تشکیل شده‌اند، و اتم‌ها متشکل از ذرات حتی ریزتری هستند. همان‌طور که به این صورت به طرف پایین در ریزکیهان ادامه پیدا می‌کند، حتی برای خدایان بسیار بالا نیز به نظر می‌رسد که آن به طور نامحدود ادامه می‌یابد. آنگاه چه تعداد ذره، هوا را می‌سازند؟ انواع مختلف زیادی از گازها هستند که هوا را می‌سازند. پس در واقع، در چیزهایی که برای انسان نامحسوس هستند عناصر بسیار بسیار زیادی وجود دارد. آیا قبول ندارید که دانشی که علوم امروزی دارند صرفاً بینهایت سطحی است؟

این برداشتی بشری است که هر جا که یک فرد بتواند پای خود را بر آن بگذارد زمین است، این چیزی است که زمین است، و یک فضای باز که فرد نمی‌تواند بر روی آن بایستد زمین نیست. اما خدایان آن را به این صورت نمی‌بینند. برای آنها، هر چیزی که از مولکول‌ها تشکیل شده باشد زمین یا خاک است. اگر خدایان بالا از اتم یا هسته‌های اتم تشکیل شده باشند، آنگاه آن سطح از ذرات نیز در تمام حیطه‌های کیهان پخش است. خدایان و انسان‌ها به شکل متفاوتی به امور نگاه می‌کنند، و مفاهیم‌شان متفاوت است. چشمان انسان از مولکول تشکیل شده‌اند و فقط می‌توانند این چیزهای کم و اندک را ببینند. برای یک خدا کاملاً متفاوت است. درون حیطه‌ی او، او قادر مطلق است، و می‌تواند هر چیزی را ببیند. این عالم بسیار وسیع است - با رفتن از بزرگ‌کیهان تا ریزکیهان، چه تعداد موجود وجود دارد؟ و چه تعداد ذره، هر موجود را می‌سازد؟ درون هر ذره دنیاها وجود دارد، و کل آن سطح متشکل از جهان‌های صرفاً بیشمار است. و چه تعداد از دنیاها خدایان در درون آن وجود دارد؟ تاریخ هر یک از دنیاها چنین خدایانی چقدر طولانی است؟ چه تعداد داستان زندگی در آنجا یافت می‌شود؟ زمانی که به هر موجود نگاه می‌کنم، مثل خواندن یک زندگینامه یا یک رمان تاریخی است، به طوری که هر دوره‌ی زندگی در درون آن شامل شده است و تمام آنها هنوز در حال نمایش‌اند، روشن و زنده. حیات‌ها در کیهان بزرگ‌تر صرفاً به‌طور بسیار بیشمار زیاد هستند و در اندازه‌های بسیار بسیار متفاوتی وجود دارند، به طوری که هر فرد، هر خدا، و هر موجود، تاریخ خود را دارد - بسیار شبیه یک داستان. جریان زندگی، برای هر فرد، درست مثل یک کتاب تاریخ است. آنگاه درباره‌ی این فکر کنید که این کیهان به چه طرز حیرت‌آوری غنی و پیچیده است. مشکل بتوان گفت که چیزهایی که در تزکیه می‌بینید یا با آنها مواجه می‌شوید از کجا می‌آیند، اما زمانی که پیش چشم شما به نمایش درمی‌آیند، یا زمانی که می‌توانید با یکی از این چیزها روبرو شوید، هر اندازه هم که ریز باشد، ظاهرش به هر جهت ظاهر یک کیهان عظیم خواهد بود. علتش این است که برای اینکه وارد آن قلمرو شده باشید، برای اینکه شخصاً آنجا باشید، باید همان اندازه‌ی موجودات آنجا را به خود بگیرید، و آنگاه درخواهید یافت که آن دنیا به طور بی‌مانندی وسیع است. در عین حال، وضعیت ذهن شما با شیوه‌ی تفکر آن دنیا همسو خواهد شد. این در رابطه با ورود به هر محیطی صدق می‌کند: شما به روشی سازگار با آن بعد به آن دنیا خواهید نگرست. بعضی افراد حتی دنیای ریزکیهانی‌ای دیده‌اند که به قدری کوچک بوده که به نظر می‌رسد امکان ندارد چیزی از آن کوچک‌تر باشد، با این حال، آن مکان کوچک، وقتی با مفاهیم بزرگ و کوچکی که انسان‌ها دارند سنجیده شود، [به طور ظاهری] تفاوتی با یک بعد بزرگ یا موجودی با شکلی بزرگ‌تر نخواهد داشت - خواه از نظر چگونگی تجلی خدایان یا موجودات [در آن قلمروی ریز] یا از نظر مناظر اعجاب‌انگیز آنجا. موجودات ذی‌شعور برابرند. موضوع اندازه‌ی فیزیکی مطرح نیست. اما به طور مشابه، [دیدن آنها] وابستگی سرمستی شما را

برمی‌انگیزد. فکر خواهید کرد، "وای، این واقعاً فوق‌العاده است!" اما حقیقت این است که: در بدن کیهانی عظیم عالم، چنان چیزهایی واقعاً بیش از حد ناچیز هستند که درباره‌شان صحبتی شود. آیا آنچه که سعی در توضیح آن دارم را متوجه شده‌اید؟ (تسویق)

بدین معنی که، این کیهان صرفاً بسیار عظیم است و موجودات ذی‌شعور صرفاً بسیار زیاد هستند، بی‌اندازه زیاد، در انواع و اقسام اندازه‌ها. به هر حالت وجودی‌ای که وارد شوید، به موضوعات و یا به موجودات آنجا به شیوه‌ای سازگار با آن وضعیت وجودی خواهید نگریست. بیشتر اینکه، به علت دلایل تزکیه‌ای، شما نیز در آنجا الهی خواهید شد—شاید حتی الهی‌تر و قدرتمندتر از آن موجودات. با این حال، شما هنوز یک بدن بشری دارید، بنابراین اگر حفاظ خود را پایین بیاورید وابستگی‌های بشری‌تان بلند خواهد شد: "وای، من خیلی فوق‌العاده‌ام!" آنگاه وقتی به این به اصطلاح "واقعیت" انسان‌ها برگشتید، فکر می‌کنید، "جداً برای خودم کسی هستم!" واقعاً، افراد بسیاری بوده‌اند که با دیدن ذره‌ای، قسمتی، یا وقوع چیزی در عالم ذهن‌شان شروع به تزلزل کرد. در گذشته که در حال آموزش فا بودم، بعضی افراد اطلاعات خاصی دریافت کردند که به دوران کهن بازمی‌گشت، و فکر کردند که به یک بودا شباهت دارند. آنگاه خود را بودا در نظر گرفتند، و از این بابت بسیار خوشحال بودند. شرکت در کلاس‌هایمان را نیز متوقف می‌کردند. در روزهای آغازین به همه جا می‌رفتند تا اعلام کنند که بودا هستند و نیازی به تزکیه ندارند. آنها قادر به تزکیه نیز نبودند، زیرا آن وابستگی بشری واقعاً بزرگ شده بود. اگر در تزکیه از تفکر بشری‌تان رها نشوید، هر چیزی ممکن است در نقش برانگیختن وابستگی‌هایتان یا به عنوان مانعی در تزکیه‌تان عمل کنند. اجازه ندهید هیچ وابستگی‌ای رشد کند. همان‌طور که استاد گفته است، هیچ راهی نیست که بشود تصویر حقیقی و کامل کیهان را ببینید، زیرا حتی موجودات خدایی سطوح پایین نمی‌توانند آن را ببینند، چه رسد به شمایی که زیر بار یک بدن بشری هستید. علی‌رغم هر چیزی که موجودات آن قلمروها درباره‌ی خارق‌العاده بودن شما بگویند، شما قبل از کمال هیچ کسی نیستید. شاید مدت‌ها پیش موجودی در آنجا بوده یا زمانی پادشاه‌شان بوده باشید، اما همه‌اش همین است، زیرا اکنون یک انسانید و نمی‌توانید برگردید. فرد قبل از کامل کردن کل روند تزکیه یا در صورت عدم موفقیت تزکیه‌اش نمی‌تواند برگردد. بنابراین ابداً به هیچ وجه وابسته نباشید. با افکار درست قوی و قلبی آرام، آنچه که قرار است را انجام دهید. کیهان صرفاً بسیار وسیع است.

اگرچه بعضی کلمات بر نوک زبانم هستند، تمایلی به بیان آنها ندارم. علتش این است که نگرانم ذهنتان را به جنب و جوش وادارد و آنگاه بخواهید برسید که چرا این، چرا آن، و بیشتر کند و کاو کنید. وابستگی‌های خاصی را برمی‌انگیخت. اما استاد به شما می‌گوید، کیهان ما—یعنی، کیهانی که مربوط به حیات‌های ما است—این کیهان بی‌اندازه عظیم چیزی است که مدت‌ها قبل اداره کردن آن را تمام کردم. [بخش‌هایی از] استاد که در سطوح بالاتر بودند پیش از این به مکان‌های درست خود بازگشته‌اند. کیهان ما هم‌اکنون به‌طور بی‌مانندی زیباست. زمانی که تمامی این را تمام کردم، خواستم که به مرحله‌ی بعد حرکت کنم، اما دریافتم که بُعد بشری، که رویه‌ی کیهان است، هنوز نمی‌تواند آزاد شود. و چرا اینطور است؟ این کیهان آن قدر بسیار عظیم است که صرفاً خارج از تصور است. حیات‌های آن آن قدر زیاد هستند که حتی حیات‌های گسترده‌ای کوچک هم به قدری زیادند که نمی‌توان آنها را شمرد، در حالی که بدن‌های کیهانی وسیع آن صرفاً غیر قابل وصف هستند. بدین خاطر، در زمان‌های اخیر که فا را آموزش دادم، هیچ‌گاه درباره‌ی اینکه کیهان چقدر بزرگ است صحبت نکردم، چراکه هرچه در زمان جلوتری این کار را انجام می‌دهم، آن بزرگ‌تر است، و قدرت فکر یا زبان بشری در توصیف را به چالش می‌کشد. هنگامی که اصلاح فا به نقطه‌ی پایان رسید پی بردم که موجودات بدن‌های کیهانی دیگر که با هیچ چیزی در کیهان ما ارتباطی ندارند متوجه شدند که بعد از آنچه که انجام گرفته است در نهایت کیهان ما چقدر عالی شده است، طوری که آن اکنون مثل یک جواهر درخشان در کیهان بود، مثل یک الماس. همگی آن را چیز خوبی یافتند و این فا را آرزو کردند. همگی خواستند که این فا را کسب کنند. (تسویق)

پیش‌تر مفهوم جهان را برای شما توضیح دادم، و اینکه چگونه راه‌های شیری متعدد یک گستره از آن را می‌سازند. آن گستره چیزی است که ما به عنوان یک جهان کوچک به آن اشاره می‌کنیم. صدها میلیون جهان نظیر این لازم است تا جهان لایه‌ی دوم را بسازد. در رابطه با اینکه کیهان نهایتاً چقدر عظیم است، فرض کنید که جهانی عظیم که از یک تریلیون لایه تشکیل

می‌شود را به عنوان یک حوزه در نظر بگیریم، و سپس یک تریلیون از این حوزه‌های یک تریلیون لایه‌ای را با هم در یک گروه بگذاریم— آنگاه می‌توانیم این یک تریلیون حوزه‌ی یک تریلیون لایه‌ای را یک ذره‌ی هوا بنامیم. چنان ذراتی در سالن کنفرانس اینجا پخش هستند. اگرچه آن به منزله‌ی تعداد عظیمی از جهان‌هاست، هنوز هم فقط ذره‌ای کوچک و غیرمهم در فقط یک بعد از جهان است. زمانی که به هنگام انجام اصلاح فا به انتها رسیدم، دیدم که دیگر فرم موجودات چیزی نبود که موجودات پایین‌تر قابلیت درک آن را داشته باشند؛ همان‌طور که اصول فا صعود می‌کردند، صرفاً هیچ راهی برای خدایان در سطوح پایین‌تر نبود که آنها را درک کنند. زمانی که به آن قلمرو و وضعیت آن رسیدم، در نهایت دریافتم که آن نیز فقط ذره‌ای غبار در کیهان است.

به خوبی می‌دانم که موجودات، در هر قلمرویی که باشند، مثل هم هستند: همگی درک می‌کنند که زندگی چقدر زیباست. البته سه قلمرو استثنا است. به عنوان مریدان دافا، اگر بتوانید مأموریت‌های خود را به انجام برسانید؛ اگر بتوانید در هر قلمرویی که در تزکیه‌تان هستید، موجوداتی که باید نجات دهید را نجات دهید؛ اگر بتوانید موجوداتی را که باید از میان انسان‌ها برهانید آزاد کنید؛ و اگر بتوانید مسئولیت‌های یک مرید دافا را به انجام برسانید، آنگاه، به هنگام بازگشت، افتخار غیر قابل توصیفی را تجربه کرده و شکوه عظیم دامنه‌ی کیهانی خود را لمس خواهید کرد. با تمامی اینها، یک خدا چیزی شبیه حس عدم رضایتی که یک انسان ممکن است داشته باشد نخواهد داشت. خدایان وضعیت هستی بشری ندارند. یک خدا، در هر قلمرویی که باشد، در واقع اگر به او پیشنهاد جابجایی به قلمرویی بالاتر را می‌دادید خوشحال نمی‌شد. فکر می‌کرد که آن مکان هیچ ارتباطی به او ندارد. او به طریقی بشری فکر نمی‌کرد. بدن کیهانی عظیم— آن قدر عظیم که در تصور نمی‌گنجد— که در حال توصیف آن بودم صرفاً برای این بود که حسی از عظمت آن به شما بدهم. با فکر کردن درباره‌ی آن هیجان‌زده نشوید، چرا که هیچ نفعی ندارد. آن صرفاً بسیار عظیم است.

گاهی اوقات فکر می‌کنم که در حالی که یک موجود ممکن است خیلی ناچیز به نظر برسد، هر کدام داستان زندگی خود را دارند. برخی باوقار و تکان‌دهنده هستند، برخی پیچیده و پر از پیچ و خم هستند، برخی فرح‌بخش هستند، برخی دردناک، و برخی نیکخواه و مهربان هستند، هر کدام ویژگی‌های مختلف آن موجود را دارند. من واقعاً برای آنها ارزش قائلم. اما، چنان حیات‌های پایینی توسط پادشاهان یا حتی خدایان بزرگ‌تر سطوح مختلف کیهان ارزشمند تلقی نمی‌شوند. این چیزی است که توسط وضعیت هستی آنها تعیین می‌شود. آنها فقط استاندارد کلی را مهم در نظر می‌گیرند. یک موجود بخصوص یا گروه‌های موجودات در گستره‌های بزرگ‌تر برای آنها چیزی به حساب نمی‌آیند، زیرا [آن خدایان] صرفاً بسیار بزرگ هستند. در این مرحله تمام اصلاح فا را به پایان رسانده‌ام، همه چیز کامل شده است، و بدن‌های کیهانی دیگر همان گام‌ها را دنبال خواهند کرد. با این حال، زمان کلی اصلاح فا نمی‌تواند به درازا بینجامد. آن هنگام که قرار باشد، خاتمه خواهد یافت.

مدتی قبل، برخی مریدان دافا هنوز قدم پیش نگذاشته بودند، بنابراین مجبور بودیم صبر کنیم و بهترین سعی خود را انجام دهیم که آنها قدم جلو بگذارند. اما زمان برای این در حال اتمام است. وقتی شاگردانی را می‌دیدم که از چین بیرون آمده‌اند، اصرار می‌کردم که به این شاگردانی که قدم پیش نگذاشته‌اند بگویند که به سرعت قدم پیش بگذارند— که این شاگردان گم‌شده را سریعاً پیدا کرده و واقعیت‌ها را برایشان تشریح کنند، زیرا چیزی که در غیر آن صورت با آن مواجه می‌شوند غم‌انگیزترین پایان است. تزکیه موضوع جزئی‌ای نیست. و این مخصوصاً برای مریدان دافا این چنین است، که چنان مأموریت‌های تاریخی عظیمی را بر عهده دارند. آنچه به آن مأموریت گره خورده است بقا و مرگ و زندگی موجودات صرفاً بشمار می‌آید. آیا این را چیز بزرگی نمی‌نامید؟ چیز عظیمی است. اینجا در دنیا، آن در ظاهر صرفاً روشنگری حقیقت و توقف آزار و اذیت شیطانی است. و زمانی که به خوبی در حال اداری چیزها نباشید، چیزها را با تفکر بشری می‌سنجید. ولی امور در این دنیا وهمی و گمراه‌کننده هستند، و روشی که فرد تزکیه می‌کند می‌گذارد که دقیقاً در میان ایمان و تردید تزکیه کنید. اگر بتوانید از عهده‌ی این برآیید که خود را تزکیه‌کننده در نظر بگیرید و واقعاً محکم، با افکار صالح قوی امور خود را اداره کنید، آنگاه آن به خودی خود واقعاً خارق‌العاده است. این چیزی است که توسط روش دنیا معین شده است، و بنابراین اگر می‌توانستید امور را دقیقاً به روشی مشابه یک موجود خدایی انجام دهید، به حساب نمی‌آید. اگر این مجاز بود، می‌توانستیم صرفاً آن جاودان‌های زمینی را از کوه‌ها بیرون بیاوریم و امور را به انجام برسانیم. یا صرفاً می‌توانستیم از همان ابتدا گونگ مریدان دافا را باز کنیم و امور در یک لحظه انجام می‌شدند.

اما به این شکل عملی نیست، و به حساب هم نمی‌آید. ما مردم را در میان توهم نجات می‌دهیم. اجتماع بشری صرفاً مکانی متوهم است، بنابراین باید مردم را به روشی مناسب اجتماع بشری نجات دهیم. زمانی که خلق شد، تعمداً به این صورت درآورده شد.

با همه‌ی آنچه که استاد گفته است، مطمئن نیستیم؛ آیا همه را فهمیدید؟ (تشویق به نشانه‌ی تأیید) برخی چیزها واقعاً آنطور که افراد تصور کرده‌اند نیستند. ذره‌ای افترا از سوی شیطان این بوده است که، "اگر استاد شما آن قدر قدرتمند است، چرا چیزها را به این یا آن صورت انجام نمی‌دهد؟" می‌توانم. اما این کار را نمی‌کنم. آمده‌ام که موجودات ذی‌شعور را نجات دهم، و مهم نیست که یک موجود چقدر بد باشد، به او فرصتی خواهم داد. ممکن است بد شده باشید و جرئت گفتن چنان چیزهایی را به خود بدهید، اما این به خاطر اخلاقیات رو به انحطاط دنیا و همین‌طور عوامل شیطانی دست‌اندرکار در پشت صحنه است. نسبت به شما که یک موجود هستی‌دوست احساس ترحم دارم، و نیک‌خواهی حس می‌کنم. می‌خواهم فرصتی به شما بدهم. نمی‌خواهم از شما دست بکشم. اما، اگر این لازم شود، قطعاً کاری است که انجام خواهم داد. در واقع موجودات خدایی خواهند بود که چنین می‌کنند. وقتی آنها چنان شرارت‌هایی را می‌بینند آن را بر نمی‌تابند، و نیازی نخواهد بود که من آن کار را انجام دهم.

استاد از مسیری که مریدان دافا در این سال‌ها پیموده‌اند واقعاً خشنود است. البته، آنهایی که آن را خوب نپیموده‌اند یا قدم پیش نگذاشته‌اند هنوز در این مرحله نمی‌توانند مرید دافا نامیده شوند. آنهایی که با موفقیت آن را گذرانده‌اند، و توانسته‌اند دست به عمل بزنند، واقعاً خارق‌العاده هستند. با این کار، مداخله‌ی نیروهای کهن را نفی کرده‌اند. آنها تسلیم شیطان نشده‌اند، و شکنجه‌ی بی‌سابقه و شدید مریدان دافا که فرضاً در حال "آزمودن" آنهاست آنها را پایین نکشاده است، بلکه در عوض به آبدیده شدن چنین مریدان دافایی انجامیده است. خواه سختی‌ها بود یا شکنجه‌ی شیطان، هر چه که بود، شما آن را با موفقیت گذرانده‌اید - واقعاً آن را با موفقیت گذرانده‌اید. آنچه که [از شیطان] باقی است دیگر کافی نیست تا چیزی محسوب شود که بتواند به مریدان دافا به صورت کل لطمه‌ای وارد کند. صرفاً می‌تواند به عنوان به‌اصطلاح "آزمودن" آنهایی که مسیر را به خوبی نپیموده‌اند یا آزمودن مناطقی خاص عمل کند. وقتی شیطان تفکر بشری را [در مریدان دافا] می‌بیند، از آن استفاده می‌برد تا کارهای بد انجام دهد، زیرا نیروهای کهن فکر می‌کنند که این طوری است که امور باید انجام شوند. به هنگام نجات موجودات ذی‌شعور، هنوز نیاز داریم که تمام آن مداخله از سوی نیروهای کهن را نفی کنیم. در تمام مدت، این آن طوری بوده که توانسته‌ایم از آن موفق بیرون بیاوریم. مریدان دافا هم‌زمان با نفی شکنجه و آزار و نجات موجودات ذی‌شعور در حال دستیابی به موفقیت برای خود، و به‌خوبی پیمودن گام پایانی سفر خود هستند.

به شما می‌گویم: مسیری که پیموده‌اید و آنچه که انجام داده‌اید را گرامی بدارید، تمام زمانی را که برای اعتباربخشی به فا صرف کرده‌اید گرامی بدارید. آنچه سپری شده هیچ‌گاه باز نخواهد گشت. اگر کسی می‌خواست سعی کند که دوباره شرایطی از وحشت به‌وجود آورد تا مریدان دافا را در آن آبدیده کند، دیگر ممکن نمی‌بود، زیرا شیطان چندان باقی نمانده است. همان‌طور که اصلاح فا به پیش می‌رود، سطحی پس از سطح دیگر، بی‌وقفه در مقیاسی وسیع در حال از بین بردن عناصر شیطانی است و کیهان جدید پیوسته در حال پیشروی در شکل‌گیری خود است. مریدان دافایی که خوب عمل کرده‌اند در حال از بین بردن شیطان در مقیاسی وسیع، در سراسر گستره‌ی [کیهانی] و منطقه‌ای که مسئول آن هستند بوده‌اند. بنابراین، اگر فردی می‌خواست که آن عناصر شیطانی نقش بزرگی را ایفا کنند، دیگر امکان‌پذیر نمی‌بود.

همان‌طور که می‌دانید، این روزها همه در اجتماع چین به حزب شیطانی دشنام می‌دهند. شما می‌دانید که چرا این‌طور است. آنهایی از ما که مسن‌تر هستیم به یاد داریم که چگونه در گذشته هیچ‌کسی جرئت نمی‌کرد از حزب شیطانی انتقاد کند. اما حالا همه این کار را انجام می‌دهند، زیرا اکنون تقریباً هیچ عامل شیطانی از حزب پلید باقی نیست. زمانی که در ابتدا آزار و شکنجه آغاز شد، تراکمی که همه چیز را با آن پوشاندند عظیم بود. آنها در حال تماشای مردم و حتی اعمال کنترل بر آنها بودند، پس چه کسی جرئت داشت بگوید که حزب شیطانی بد است؟ شاید در دستشویی بودید و درها بسته بودند و هنوز جرئت نمی‌کردید که زیر لب از حزب شیطانی شکایتی کنید، و حتی در همان حال هم می‌ترسیدید. آن عناصر شیطانی دست‌اندرکار بودند. اما حالا که آن عناصر شیطانی در چنین مقیاس وسیعی نابود شده‌اند که تقریباً از میان رفته‌اند، مردمی که هنوز حسی از

عدالت دارند در حال برخاستن و رساندن صدای خود هستند. و حتی هنگامی که افراد می‌بینند که حزب شیطانی مردم را شکنجه می‌کند، جرئت می‌کنند که آن را محکوم کنند، چراکه عوامل شیطانی زیادی باقی نیستند. به بیان دیگر، شرایط وحشت، دیگر وجود ندارد، و به طور روزافزونی محیطی که نیروهای کهن برای آزار تزکیه‌کنندگان، یا آبدیده کردن مریدان دافا، خلق کردند، در حال ناپدید شدن است. زمانی که دیگر برای آزمودن مریدان دافا یا به عنوان فشار در هنگامی که مریدان دافا به نجات موجودات ذی‌شعور می‌پردازند کافی نباشد، آن زمانی است که امور در شرف پایان‌اند. نیازی ندارید که آن را به شما بگویم. خودتان می‌توانید آن را ببینید. وضعیت به سرعت در حال تغییر است. اما به هر جهت، تزکیه‌کنندگان تزکیه‌کننده هستند و ما در امور سیاسی افراد عادی درگیر نمی‌شویم. هر کسی که کارهای خوبی برای دافا انجام داده باشد تأیید خدایان را به‌دست خواهد آورد. و البته، مریدان دافا شاهدهی بر این خواهند بود. برای آن افراد، این به منزله‌ی خلق آینده‌ای برای خودشان است.

این بود صحبت امروز. از همه متشکرم. (تشویق طولانی پرشور)

چند کلمه‌ای اضافه می‌کنم. شکلی که شما استاد را می‌بینید شکل یک موجود بشری است. یک شکل کامل بشری است، با تمام اجزای بشری - دقیقاً مثل یک موجود بشری. اما، در هر یک از سطوح کیهان، بدن استاد دقیقاً از لحاظ شکل با موجودات آن سطح از کیهان تطابق دارد. این مطلب اینجا نیز صادق است. همان‌طور که به شما گفته‌ام، اگرچه این مکانی برای موجودات بشری است، از آنجا که بخش اصلی استاد در اینجا است، این نقطه قلب اصلاح‌فای تمام کیهان شده است. خواه نیروهای کهن باشند یا موجوداتی که می‌خواهیم نجات دهیم، تمام بدن‌های کیهانی عظیم در کیهان که آرزو دارند نجات یابند می‌خواهند که وارد اینجا شوند. برای مقاصد ایمنی، حیات‌های حقیقی تمام موجوداتی که هنوز باید توسط فای اصلاح شوند همگی اینجا پیش من نگه داشته می‌شود؛ حیات‌های آنها همگی پیش من مهر و موم شده است، تمام راه از لایه لایه‌ی ذرات من تا سطحی‌ترین سلول‌ها. اما با این وجود هم، به شما می‌گویم، استاد به هیچ شکلی متفاوت با یک موجود بشری به نظر نخواهد آمد. برای هیچ کسی شبیه یک خدا به نظر نخواهم آمد، مگر آنکه دقیقاً پیش از کامل شدن اصلاح فای باشد. اگر هم‌اکنون می‌خواستیم که درست مثل یک خدا نمایان شویم، شرایط تزکیه‌ی شما را تباه می‌کرد؛ توهمی را که قرار است تحت آن به چیزها روشن بین شوید از بین می‌برد. تمام اعمال‌تان و تزکیه‌تان از آن مرحله به بعد بیهوده می‌بود، همه چیز تباه می‌شد، و موجودات ذی‌شعور نمی‌توانستند نجات یابند. پس، با تفکر بشری به فای نگاه نکنید، و با ذهنیتی بشری درباره‌ی استاد فکر نکنید. فایی که استاد به شما آموزش داده است می‌تواند شما را قادر به تزکیه کند، و بر اساس این فای است که قرار است تزکیه کرده و چیزها را بسنجید. خطایی در خصوص فای وجود ندارد. فای با سطحی‌ترین زبان، زبان بشری نوشته شده است، با استفاده از ساختارهای زبان بشری، اما به هیچ وجه محدود به این سطح ظاهری نیست: در سطحی پس از سطح سطح سطوح کیهان، معانی فای در آن شامل شده است.

از همه متشکرم! (تشویق طولانی پرشور در سرتاسر سالن)